# جلسه 8

**چهارشنبه - 19/۰8/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

#### حرمت ضرب آلات لهو به کیفیتی که مصداق لهو وسرگرمی باشد

راجع به ضرب آلات لهو ما به این نتیجه رسیدیم و لو از باب احتیاط که ضرب آلات لهو به کیفیتی که عرفا مصداق لهو و سرگرمی باشد، حرام هست. لزومی ندارد که ما بگوییم مثیر شهوت شیطانیه باشد یا موجب خوش‌گذرانی باشد یا مناسب با مجالس اهل فسوق باشد. نخیر؛ تار زدن، طبل زدن به نحوی که عرفا سرگرمی است نه حماسی که در ارتش می‌زنند برای تشجیع لشکر، این به نظر می‌آید که مشمول ادله نهی از ضرب مزمار و کوبات و کبرات باشد.

البته ممکن است کسی بگوید که ما این حکم را در آلات مختصه قائلیم و این آلات امروز دیگه آلات مشترکه‌اند. دلیل نداریم بر این‌که در آلات مشترکه اینقدر سخت‌گیری بکنیم. بله، آلات مشترکه هم اگر به کیفیتی نواخته بشود که مثیر شهوت شیطانیه باشد، این قدر متیقن است از حرمت اما صرف سرگرمی، ‌حالا با قابلمه می‌زنند سرگرم می‌شوند، این دلیل بر حرمت ندارد.

ما در اینجا دو نکته داریم:

#### آلات لهو یعني ما اعدّ للهو

یکی این‌که تشکیک در این‌که این آلاتی که الان هست آلات لهو باشد، این تشکیک عرفی به نظر نمی‌آید. یک زمانی تار، طبل، آلات لهو بوده، حالا بیاییم بگوییم این آلات پیشرفته اینها آلات لهو نیست، چون انتفاع از اینها به کیفیت غیر لهویه زیاد شده، این عرفی نیست. اگر نی آلت لهو بوده، سنتور و گیتار و اینها بگوییم آلت لهو نیست، ‌عرف از ما نمی‌پذیرد. اگر می‌گویید الان زیاد استعمال غیر لهوی ممکن است بشود، خب این در گذشته هم تار استعمالش اعم بوده. این‌که می‌گویند آلت لهو یعنی آلتی که معدّ است بطبعه للهو نه این‌که در غیر لهو استعمال نمی‌شود. آلتی که معد است بطبعه للهو. و این ابزار موسیقی همین گونه هستند.

و نقل شده از امام قدس سره اوائل انقلاب دستور دادند، تمام آلات موسیقی در رادیو تلویزیون اعدام بشود و از بین برود. حالا بعضی از آقایان سران کشور صحبت کردند متوقف شد. من نمی‌دانم، بحث فقهی نمی‌خواهم بکنم در این رابطه اما می‌خواهم بگویم این یک نظری است که این آلات را آلات لهو می‌دانند و حتی قائلند یجب اعدامها، ‌یحرم بیعها و شرائها وضعا تکلیفا. آن وقت بعید است ما بگوییم الان ما آلات لهو نداریم. مثلا شمشیر الان بگوییم برای تزیین زیاد بکار می‌رود پس دیگه شمشیر آلة‌القتل نیست؟ شمشیر آلت قتل است یعنی معدّ‌بطبعه للقتل. تار و نی و اینها آلات لهو است. حالا یک عده‌ای برای غیر لهو استعمال بکنند، این از آلت لهو بودن خارج نمی‌شود.

البته ما هم معتقدیم آلات لهو هم به کیفیت لهویه نواختنش حرام است نه مطلقا. ولی کسانی هستند از بزرگان در استفتائات صریحا فرمودند استعمال آلات لهو مطلقا حرام است و لو به غیر کیفیت لهویه. از جمله مرحوم آقای خوئی و از جمله امام قدس سره در استفتائاتی که از ایشان است. نگاه کنید! استفتائات جلد 2 صریحا بیان فرمودند.

#### مرحوم امام: موسیقی مطرب حرام است (موجب صدور حرکات سبک)

عبارت ایشان را بخوانم. صفحه 14: اگر در ارتباط با موسیقی‌های مطرب کار نکنید مانع ندارد ولی از استعمال آلات لهو باید اجتناب نمایید اگر آلات، ‌ممحض برای لهو است. یعنی اگر موسیقی مطرب، چون امام تعبیر می‌کنند موسیقی لهوی، از موسیقی مطرب تعبیر می‌کنند به موسیقی مطرب، یعنی آنی که موجب این می‌شود که انسان دچار سبکی بشود و یک حرکات سبکی از او صادر بشود که در حالت طبیعی آن حرکات را انجام نمی‌دهد، موسیقی مطرب را حرام می‌دانند، بعد فرمودند اگر موسیقی مطرب نمی‌زنید اشکال ندارد ولی از استعمال آلات لهو باید اجتناب کنید. و همین‌طور در صفحه 12 فرمودند شنیدن و نواختن موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد. خب اینها وجهش روشن است دیگه. صداهای مشکوک مانع ندارد چون اصل برائت داریم در مواردی که شک داریم که این موسیقی، لهوی است یا لهوی نیست، ‌اصل برائت جاری می‌شود دیگه. چه شبهه موضوعیه باشد، (چه شبهه مصداقیه باشد) که در خارج نمی‌دانیم این چه جور نواخته می‌شود یا شبهه مفهومیه باشد، می‌دانیم الان چه جور می‌نوازند ولی نمی‌دانیم عرف اینها را مصداق موسیقی لهوی می‌داند یا نمی‌داند اینجا هم ما بالاخره رجوع کردیم به اهل خبره تعریف کردند موسیقی حرام چیست. فتوی را می‌دانیم اما در انطباقش بر این موسیقی‌ها در خارج شک داریم و لو به نحو شبهه مفهومیه خب ما اصل برائت می‌توانیم جاری کنیم. وجهش واضح است. بعد فرمودند...

[سؤال: ... جواب:] من استفتاء امام را خواندم. ایشان هم شنیدن و هم نواختن موسیقی مطرب فرمودند حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.

[سؤال: ... جواب:] عرض کردم موسیقی مطرب را ایشان حرام می‌دانند یعنی موسیقی‌ای که از شانش این است که انسان را دچار خفت و سبکی می‌کند. یعنی انسان حرکات سبک از او سر می‌زند. ... بله. ما فکر می‌کنیم عبارت اخری است از موسیقی لهوی. ... حالا شاید یک مقدار لهو تند باشد نه مطلق لهو. لهوهای غیر تند، اینها انسان را دچار خفت و سبکی نمی‌کند که حرکات غیر متعادل از انسان سر بزند.

#### استاد: استعمال آلات لهو برای مطلق لهو (سرگرمی) اشکال دارد

ولی به نظر ما وجهی ندارد. ما اطلاق قائلیم برای انهاکم عن المزمار و الکوبات و الکبرات؛ موسیقی لهوی را حرام می‌دانیم.

بعد امام فرمودند و خرید و فروش آلات مختص به لهو جایز نیست و در آلات مشترکه اشکال ندارد.

#### مرحوم امام: اعدام آلات لهو واجب است

 باز صفحه 17: گیتار و یا سایر وسائلی را که هم اکنون ما در منزل داریم اگر چه اصلا از آنها استفاده نمی‌شود، چه کار کنیم؟ امام جواب دادند: آلات لهو را باید از بین ببرید.

ما این‌جور فکر نمی‌کنیم. ما فکر می‌کنیم آلات لهو هم اگر به کیفیت غیر لهویه نواخته بشود، مارش جنگی با آن بنوازند، ‌اطلاقی در دلیل حرمتش نیست. پس این نکته را در نظر داشته باشید.

آلات مشترکه هم به نظر ما صادق نیست بر این ابزارهای موسیقی معروف. اینها آلات لهو هستند عرفا. ولی اگر فرض کنیم یک آلات مشترکه‌ای داریم، اگر باشد، که داریم، البته آلات مشترکه خب زیاد داریم، نه، این ابزارهایی که معروف است به ابزارهای موسیقی، اگر آلات مشترکه هم داشته باشیم ما معتقدیم اگر نواختنش شبیه نواختن موسیقی لهوی باشد که از این آلات لهو، ایجاد می‌شود، این هم به فحوی عرفی و به متفاهم عرفی حرام است. چون نکته حرمت استعمال آلات لهو، لهوی بودن آن است. حالا اگر ما آلات مشترکه را بیاییم با همان کیفیت لهویه بزنیم و همان صدایی که از استعمال آلات لهو به کیفیت لهویه ایجاد می‌شود، به همان نحو از استعمال آلات مشترکه ایجاد بشود، محتمل نیست که ما بگوییم این حرام نیست.

و لذا عملا برای ما فرقی نمی‌کند. چه آلات مختصه لهو چه آلات مشترکه لهو، اگر نواختنی باشد که مناسب مجالس لهو است، این اشکال دارد. ما در مطلق لهو که مصداق سرگرمی باشد، نه سرگرم شدن به مطالعه و نماز، نه، آنی که عرفا سرگرمی است، عرفا، به نظر عقلائی می‌گویند این سرگرمی است، اگر استعمال آلات موسیقی به نحوی باشد که عرفا مصداق سرگرمی باشد، که خیلی از این موسیقی‌هایی که زده می‌شود از این قبیل است به نظر ما اشکال دارد.

#### استاد: بیع وشراء آلات لهو باطل است به جهت عدم منفعت محلله مقصوده

اما اینی که امام فرمودند که بیع و شرائش حرام است، تکلیفا و وضعا، آقای خوئی هم این را دارند، خب آلات مختصه لهو قطعا بیع و شرائش باطل هست. چون منفعت محلله مقصوده ندارد.

#### شراء آنها حرام نیست

اما حرام تکلیفی بودنش دلیل ندارد. یک کسی می‌رود ابزار موسیقی می‌خرد می‌خواهد تزیین کند خانه‌اش را، می‌خواهد نگاه کند ببیند مواد اولیه‌اش از چی بدست آمده، این دلیل بر حرمت تکلیفی ندارد.

#### حرمت بیع به فحوای نهی از منکر

اما آنی که می‌فروشد، خب آن چون معمولا افراد می‌خرند تا استعمال لهوی بکنند، آن خلاف فحوی نهی از منکر است. اسلام گفته اگر دیدی یک کسی استعمال لهوی می‌کند، ‌مرتکب منکر می‌شود، او را نهی کنید، بعد ما بیاییم خودمان امداد‌رسان منکرات در جامعه بشویم.

[سؤال: ... جواب:] ما می‌خریم، خودمان استفاده حلال بکنیم. ... بنده عرض می‌کنم فروشنده اگر بداند که حاج‌آقا آمده گیتار بخرد، برود ببیند این گیتار از چه موادی تهیه شده، چه دلیل داریم بر حرمت این کار؟ ... ما هم همین را می‌گوییم دیگه. می‌گوییم حرام تکلیفی نیست بیعش اگر خلاف فحوی نهی از منکر نباشد.

#### عدم دلیل بر وجوب اعدام مگر در صورت توقف مبارزه با منکر بر آن

و اما از بین بردنش آن هم دلیل بر وجوب ندارد. دلیل بر وجوب ندارد که ما آلات موسیقی را باید نابود کنیم. نخیر، نابود نمی‌کنیم می‌گذاریم در موزه. اگر راه مبارزه با منکر نابود کردن ابزار موسیقی است، خب آن می‌شود جزء مراتب نهی از منکر. و الا صرف این‌که این آلة الحرام هست، آلة اللهو است، ‌یجب اعدامها، نه، ‌این دلیلی بر آن نداریم.

و آقای خوئی هم و لو در مصباح الفقاهة ظاهرشان این است که بحث از حرمت تکلیفیه بیع و شراء می‌کنند، راجع به وجوب امحاء و اعدام هم مطالبی دارند، ولی فتاوای‌شان شبیه همین عرض بنده است که دلیلی بر وجوب اعدام ابزار آلات موسیقی بطور مطلق ما نداریم. و دلیلی هم بر حرمت بیع آن بطور مطلق ما نداریم. تکلیفا دلیلی بر حرمتش نیست.

[سؤال: ... جواب:] منفعت محلله غالبه نیست که مالیت شرعیه پیدا کند و بیعش صحیح باشد. ما بیع و شرائش را صحیح نمی‌دانیم. ولی حرام تکلیفی نمی‌دانیم بیع و شرائش را مگر مصداق ترغیب به منکر باشد و خلاف فحوی وجوب نهی از منکر باشد.

#### شبهه در حرمت استماع، به جهت عدم ملازمه بین حرمت استعمال وحرمت استماع

راجع به حرمت استماع یک شبهه‌ای هست. این را هم مطرح کنم وارد بحث غنا بشویم.

شبهه این است که یک کسی می‌گوید آقا! به چه دلیل استماع ضرب آلات لهو و لو به کیفیت لهویه حرام است؟ چه ملازمه‌ای دارد که استعمال آلات لهو حرام هست پس استماعش هم حرام است؟ چرا جاهای دیگر این ملازمه را نمی‌گویید:

#### تشکیک در حرمت رقص به جهت احتمال معنای زفن به معنای پایکوبی که حرام نیست

رقص حرام است به نظر عده‌ای از فقهاء. در همین موثقه سکونی بود: انهاکم عن الزفن. و زفن را لغت معنا کرده الرقص. حالا یک کتاب‌های لغتی هم هست گفتند الزفن الوطی الارض برجله. پایکوبی. که مرحوم استاد می‌فرمودند که خب پس زفن معلوم نیست به معنای رقص باشد. شاید به معنای پایکوبی باشد و پایکوبی یقینا حرام نیست. نه؛ ظاهرا زفن و لو وطی الارض برجله گفتند مراد همان رقص است. و اگر هم وطی الارض برجله باشد آن وطی الارض برجله لهوی است که ما چه جور ادعای قطع کنیم که حرام نیست. ما چه می‌دانیم؟ شاید حرام باشد. و لذا برخی از فقهاء به انهاکم عن الزفن تمسک کردند گفتند رقص حرام است. خب ملازمه ندارد رقص حرام است اما نگاه به رقص هم حرام است؟ یک مردی دارد می‌رقصد مرد دیگر نگاه کند، یک زنی دارد می‌رقصد زن دیگر نگاه کند. خب رقص او اشکال دارد نگاه به رقص او که اشکال ندارد.

#### عدم حرمت استماع دروغ

شخصی دروغ می‌گوید ما بشنویم دروغ او را، کذب حرام است، استماع به کذب که حرام نیست. آن سماعون للکذب یعنی عمل می‌کنند به دروغ. سماعون للکذب یعنی حرف‌های دروغ را می‌شنوند یعنی ترتیب اثر می‌دهند. و الا صرف این‌که دروغ را بشنویم بعدش هم بگوییم که تو خیال می‌کنی من این دروغ‌های تو را باور می‌کنم؟ این‌که حرام نیست.

غیبت. بعضی از فقهاء گفتند غیبت کردن حرام است، استماع غیبت دلیل ندارد بر حرمت. حالا چون بد‌آموزی دارد اسم این فقهاء را نمی‌آوریم.

پس گفته می‌شود ملازمه‌ای نیست بین حرمت ایجاد فعل و حرمت استماع یا نظر. ممکن است ایجاد فعل حرام باشد ولی استماع و نظر حرام نباشد. در مجسمه‌سازی هم مجسمه‌سازی حرام بود ولی نگهداریش، ‌استفاده از این مجسمه حرام نبود.

به نظر ما این تشکیک درست نیست:

#### استاد: حرمت استماع به جهت استناد حرمت استعمال آلات لهو به جهت لهو سمع

اولا متفاهم عرفی از حرمت نواختن نی و طبل این است که این یک نوع لهو سمع است. یعنی از ملاهی سمع است نه ملاهی بصر. ملاهی سمع چون هست نی زدن و طبل زدن، نهی کردند. خب این ملازمه عرفیه دارد با این‌که می‌خواهند [بگویند] گوش ندهید. سماع نمی‌گویم حرام است ها!. نه. به گوش‌تان بخورد اشکال ندارد. گوش فرا دادن این ملازمه عرفیه دارد حرمتش با حرمت ضرب آلات لهو. ما بین حرمت ضرب آلات لهو و حرمت استماع ملازمه می‌بینیم. می‌گوییم چون این عرفا از لهو‌های سمع و اذن هست ملازمه دارد. استماعش می‌شود حرام اگر به کیفیت لهویه نواخته بشود.

#### استماع حرام است نه سماع

اما سماعش، مرحوم استاد می‌فرمودند در کوفه خدمت آقای خوئی بودیم. بیرون منزل ایشان موسیقی می‌زدند جوان‌های اوباش آنجا. آقای خوئی هم می‌خندید می‌گفت موسیقی حلال به گوش‌مان خورد. یعنی می‌خواستند سماع داریم می‌کنیم، این استماع نیست.

خب فرق است بین شنیدن، آدم از یک جایی رد می‌شود می‌شنوند صدایی را، یا می‌ماند می‌خواهد مطالعه کند. می‌گوید کمتر داد بزنید می‌خواهم مطالعه کنم. می‌گویند تو گوش نده. می‌گوید من گوش نمی‌دهم اما به گوشم می‌خورد؛ مزاحم مطالعه من است. به این می‌گویند سماع. سماع دلیل بر حرمت ندارد.

[سؤال: ... جواب:] استماع یک نوع حالت اختیاری است. گوش فرا دادن. خب این‌که فقهاء هم فرق گذاشتند بین سماع و استماع دیگه. در قرائت آیه سجده هم گفتند اگر استماع بکنی دیگری آیه سجده می‌خواند باید سجده کنی. اما اگر به گوشت بخورد و لو می‌توانی آنجا نمانی، ماندی و به گوشت خورد لازم نیست سجده کنی. ... سماع است دیگه. سماع می‌فهمد دیگه. آقا! شما سوار اتوبوس می‌شوید به راننده می‌گویی که آقا! این موسیقی را خاموش کن و الا پیاده می‌شوم. می‌گوید پیاده شود خاموش نمی‌کنم. شما هم یواش یواش برمی گردی سر جایت می‌نشینی. خب بعد از این سماع می‌کنی دیگه. ... استماع نیست. اگر استماع بود می‌شود حرام. ... ببینید خود عرف هم فرق می‌گذارد. می‌گوید گوش نمی‌دادم به گوشم خورد. می‌گوید چرا فالگوش ایستادی؟ چرا حرف‌های ما را گوش می‌دادی، می‌گوید گوش نمی‌دادم به گوشم خورد. داشتم رد می‌شدم به گوشم خورد. نشستم اینجا مطالعه می‌کنم به گوشم خورد. خب چه کار کنم؟ شما بلند شوید بروید جای دیگر حرف بزنید. سماع با استماع فرق می‌کند. بین حرمت ضرب آلات لهو و استماع ملازمه عرفیه است.

#### دلالت حرمت استماع غنا بر حرمت استماع آلات لهو

علاوه بر این‌که مؤیداتی دارد این حرمت استماع. در غنا دلیل داریم که صحیحه علی بن جعفر می‌گوید که: عن المغنی أ یجلس الیه؟ قال لا. یعنی کنارش نشین برای استماع. خب استماع غنا وقتی حرام است عرفا این ملازمه عرفیه در ضرب آلات لهو هم هست.

و لا اقل من التسالم القطعی بر ملازمه بین حرمت استماع و حرمت ضرب آلات لهو.

راجع به غیبت، حالا دیگه بحث خودش را دارد دیگه. حالا غیبت می‌گوید خب او دارد کشف اسرار مؤمن می‌کند، کار او بد است. حالا غیبت ممکن است مشهور قائل به ملازمه شدند. سامع الغیبة احد المغتابِین یا احد المغتابَین هم که سندش ضعیف است و لذا برخی از فقهاء معاصرین...

[سؤال: ... جواب:] جلوس در مجلسی که غیبت می‌شود، جلوس در مجلس حرام، خودش موضوعیت دارد. معلوم نیست به عنوان استماع باشد. بودن مجلس الغیبة از بعض روایات استفاده می‌شود که حرام است. اما استماع به غیبت این حرام است.

#### آقای سیستانی: عدم حرمت استماع غیبت

عرض کردم بعضی از فقهاء معاصر می‌گویند حرام نیست، حالا اسم ببریم، آقای سیستانی. منتها نهی از منکر واجب است ها!. نهی از منکر واجب است باید بگوید غیبت نکن. اما اگر نه می‌گوید غیبت نیست، به خودش هم گفتم، بعدش هم هر چی می‌گویی غیبت نکن، قبول نمی‌کند. آقای سیستانی می‌گوید خب حالا استماع دلیل بر حرمت ندارد، احتیاط مستحب این است که یک دفاعی بکنی از آن بنده خدا. البته مشهور استماع غیبت را حرام می‌دانند و ما هم بعید نمی‌دانیم یک ملازمه عرفیه‌ای باشد در غیبت. اما جاهای دیگر که این ملازمه نیست. یکی فحش می‌دهد، من گوش ندهم به فحش دادن او؟ فحش دادن حرام است استماع به فحش که حرام نیست. من اینها را قبول دارم. اما در ضرب آلات لهو، می‌‌گویم این از ملاهی سمع است عرفا. ملاهی سمع بین حرمت ضرب و حرمت استماع ملازمه در آن هست. علاوه بر این‌که در مورد غنا استماع غنا دلیل بر حرمت دارد.

[سؤال: ... جواب:] جلس الیه، للاستماع است دیگه.

#### امکان استدلال به روایت فضل بن شاذان (حرمت اشتغال به ملاهی) بر حرمت استماع

لقائل ان یقول که اصلا خود روایت فضل بن شاذان می‌گفت و الاشتغال بالملاهی شامل استماع ضرب آلات لهو می‌شود.

#### عدم دلالت انبات نفاق (زمینه سازی برای نفاق) بر حرمت

[سؤال: ... جواب:] یک روایت ضعیف السند هست، یمیت القلب. ... ینبت النفاق، یمیت القلب، الاستماع الی اللهو و مجالسة السلطان، درست است؟ ... حالا. اینها یمیت القلب، حالا قلبش بمیرد. سندش هم ضعیف است. اینها دلیل نیست. آن هم استماع اللهو بطور مطلق هست. اینها دلیل بر حرمت نیست. هم سند آن روایت استماع اللهو یمیت القلب و ینبت النفاق، هم سندش ضعیف است هم دلیل بر حرمت نمی‌شود. یعنی آخرش به مرحله نفاق می‌رسد یعنی زمینه نفاق را فراهم می‌کند. غیر از این است بگوید کُتب منافقا. کتب منافقا یعنی با همین کارت جزء منافقین ثبت می‌شوی. خیلی خطرناک است. غیر از این است که بگوید یورث النفاق. یعنی حواست باشد. ینبت النفاق عرض کردم در کنارش مجالست با، بخوانید روایتش را!‌استماع اللهو، ‌طلب الصید، اتیان باب السلطان. اتیان باب السلطان حرام است؟ ... چرا حرام باشد؟ ... عون الظلمة شدن حرام است، اعانت بر ظلم حرام است. در خانه سلطان رفتن حرام است؟ ... برود در سلطان جائر. کجایش حرام است؟ بابا! علماء ما در عصر سلاطین نمی‌رفتند دیدن سلاطین؟ حالا می‌گویید فقط باب تزاحم است؟ چه لزومی دارد باب تزاحم باشد؟ چه دلیلی بر حرمتش هست؟ عون الظلمة شدن حرام است، اعانه ظلم کردن حرام است. اما مجالست با سلطان حرام است، بما هو هو دلیل ندارد و خلاف سیره اصحاب بوده در زمان خلفاء. خب اینها رفت و آمد می‌کردند با خلفاء.

خب بگذریم.

ما عرض می‌کنیم لقائل ان یقول که خود این روایت فضل بن شاذ‌آن‌که می‌گوید و الاشتغال بالملاهی که ما سندش را درست کردیم بعید نیست شامل استماع ضرب آلات لهو بشود. به یکی می‌گویی آقا! شما که استاد تمبک هستی و چی هستی و بیا و بنواز، خب این اشتغال به ملاهی راجع به شما هم صدق می‌کند دیگه.

[سؤال: ... جواب:] اشتغال به آلات لهو است. ... اشتغل بآلات اللهو. به دیگری گفت بزن. ... به مطرب می‌گوید بزن مطرب! نمی‌دانم چه بکنیم. ... بعید نیست صدق اشتغال به ملاهی. ... حالا ما این را به عنوان مؤید عرض می‌کنیم و لو بعید نیست کسی بگوید اشتغال به ملاهی صدق می‌کند. کسی که روز و شب رادیو باز می‌کند، ‌استعمال آلات لهو را گوش می‌کند، این صدق نمی‌کند اشتغل بالملاهی؟ ... بعید نیست اشتغال به آلات لهو هم استماعا صدق بکند. حالا و فیما سبق غنی و کفایة.

خب پس به نظر ما...

[سؤال: ... جواب:] نه. لهو الجسد است. ایشان می‌گوید که رقص لهو البصر است پس آنی که هم نگاه می‌کند او هم پس بصرش دچار لهو می‌شود، ‌او هم حرام است. نخیر. رقص لهو الجسد است. خب او که نگاه می‌کند لهو الجسد ندارد. مگر حالا یک عنوان ثانوی بر آن منطبق کنید، نظر شهوانی می‌کند [فهو]. نه، یک مرد نکره که دارد می‌رقصد این هم نگاه می‌کند اظهار تاسف هم می‌کند.

#### خلاصه بحث حرمت ضرب آلات لهو

خلاصه عرض ما این است که ضرب آلات لهو و استماع آن به کیفیتی که عرفا بگویند سرگرمی نه سرود جنگی، ‌سرود حماسی، این خلاف احتیاط واجب است. و لو صدق نکند اثارة شهوت شیطانیه بر آن. و اما آلات مشترکه هم عرض کردم نگویید آلات مشترکه به غیر کیفیت لهویه، پس ما بیاییم آلات مشترکه را با آن سرگرم بشویم، این اشکال دارد. نه. آلات مشترکه را ضرب به کیفیتی که با آن آلات مختصه می‌زنند. زدن، ‌نواختن این آلات مشترکه نه هر استعمالی حتی استعمال لهوی. ما استعمال لهوی به تناسب همان ضرب آلات لهو. و الا به قول بنده خدایی حالا اگر یک چیزهایی باشد که، تسبیحاتی باشد، ‌آلات مشترکه برای این‌که هِی بچرخاند سرگرم بشود، بگوییم این آلات مشترکه لهویه است به کیفیت لهویه. نه، این را ما نمی‌گوییم. ما می‌گوییم کیفیت لهویه یعنی آن ضرب آلات لهو به همان تناسب موسیقی لهوی و لو در آلات مشترکه باشد این اشکال دارد.

این راجع به دومین محرم. اولین محرم، مجسمه‌سازی بود که به این نتیجه رسیدیم که حرامٌ مطلقا. دومین محرم، ضرب آلات لهو بود که به این نتیجه رسیدیم که حرام مطلقا و لو از باب احتیاط.

محرم سوم غنا هست. غنا...

[سؤال: ... جواب:] لهو مطلقا که گفتیم دلیل بر حرمت ندارد. او را عرض کردیم.

[سؤال: ... جواب:] بله دیگه. سرود جنگی است. خاطره جبهه جنگ زنده بشود چه اشکال دارد؟ لهوی نیست. لهو نیست. روح حماسی را ایجاد می‌کند. شما ممکن است غرضت لهو باشد ها!. مهم غرض شخصی نیست. مهم صدق عرفی نوعی است که این مصداق لهو باشد.

###

### حرمت غنا

محرم سوم غنا هست.

عامه ظاهرا غنا را حرام نمی‌دانند مگر مقارن باشد با محرم‌های دیگر.

#### ادعای اجماع علماء شیعه بر حرمت غنا

علماء شیعه ادعا کردند اجماع شده بین‌شان بر حرمت غنا فی حد ذاته. البته فی الجملة. غنا آیا در کلام حق هم حرام است کما علیه جماعة یا حتما غنا باید در کلام لهوی باشد که برخی مثل محقق ایروانی و مرحوم استاد اخیرا تمایل داشتند به این نظر که می‌گفتند غنا در محتوای لهوی حرام است. این اختلاف بین فقهاء شیعه هست. اما اصل حرمت غنا فی الجملة مورد اتفاق هست. فقط دو نفر از متاخرین، قائل شدند غنا فی حد ذاته حرام نیست. یکی محدث کاشانی در وافی هست. دیگری هم محقق سبزواری نقل شده در کفایة الاحکام.

ما اول ادله علماء شیعه را بر حرمت غنا ذکر می‌کنیم بعد ادله محدث کاشانی و محقق سبزواری را مطرح می‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] بله؟ ... محدث کاشانی صریحا در وافی گفته. گفته غنا فی حد ذاته حرام نیست مگر مقارنات حرام داشته باشد و الا این ادله‌ای که راجع به حرمت غنا است ناظر است به آن غناهایی که در مجالس سلاطین و فساق و فجار مطرح بود که جاریه‌ای می‌آمد غنا می‌خواند و مجلس بزم بود.

اول اجمالا ادله حرمت غنا را ذکر کنم.

#### دلیل اول: روایات تفسیر قول زور به غنا

روایاتی داریم در تفسیر آیه و اجتنبوا قول الزور که فرمودند هو الغنا. مثل روایت کلینی از درست بن منصور از زید شحام: سألت اباعبدالله علیه السلام عن قوله عز و جل و اجتنبوا قول الزور قال قول الزور الغنا.

#### توثیق درست بن ابی منصور به روایت ابن ابی عمیر از او

درست بن منصور، درست بن ابی منصور، واقفی هست. ولی ما بعید نمی‌دانیم ثقه باشد به دو دلیل:

یکی این‌که ابن ابی عمیر راوی کتابش است. و شیخ طوسی در عده می‌گوید که ابن ابی عمیر و صفوان و بزنطی ممن عُرفوا بانهم لایروون و لایرسلون الا عن ثقة.

#### عدم توثیق مشایخ مع الواسطه طاطری

دوم: علی بن حسن طاطری راوی درست بن ابی منصور هست. مرحوم آقای خوئی فرموده که ما به این جهت درست را درست می‌دانیم و ثقه می‌دانیم. علی بن حسن طاطری کسی است که شیخ طوسی در فهرست می‌گوید کان واقفیا شدید العنا فی مذهبه صعب العصبیة علی من خالفه من الامامیة و له کتب کثیرة فی نصرة مذهبه و له کتب فی الفقه رواها عن الرجال الموثوق بهم و بروایاتهم فلاجل ذلک ذکرناها. آقای خوئی می‌فرماید ببینید! شیخ می‌گوید رواها عن الرجال الموثوق بهم پس مشایخ طاطری ثقات هستند و یکی از این درست بن ابی منصور واقفی است.

شبهه‌ای که ما داریم این است که طاطری به واسطه عمویش نقل می‌کند از درست. آیا این تعبیر رواها عن الرجال الموثوق بهم شامل روایت با واسطه هم می‌شود؟ این خیلی برای ما روشن نیست. می‌گویند طاطری این احادیث را روایت کرده از ثقات. اگر از مشایخ بلاواسطه‌ای نقل کند که آنها ثقات هستند اما آن مشایخ بلاواسطه که ثقات هستند از افراد ضعیف نقل کنند صدق نمی‌کند که طاطری روا هذه الروایة عن الثقات؟ خب از ثقات نقل کرده دیگه. حالا این ثقات از ضعاف نقل کردند دیگه گناه طاطری نیست.

و لذا ما این شبهه را داریم. اگر این شبهه نبود که آقای خوئی این شبهه را قبول نکرده ظاهرا، از این راه هم می‌شود درست بن ابی منصور را توثیق کرد.

[سؤال: ... جواب:] رواها ظاهرش این است. و الا هر آدمی از دو تا ثقه ممکن است نقل کند دیگه. ظاهرش این است که مجموع مشایخ ثقات بودند.

خب این راجع به این روایت. و روایات دیگری داریم که مفادش این است که غنا حرام است. ان شاء الله جلسات بعد مطرح می‌کنیم. بعد ببینیم چرا محدث کاشانی گفته که غنا فی حد ذاته حرام نیست؟

و الحمد لله رب العالمین.